

## درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره  
 تاریخ: ۴ آبان ۱۴۰۰  
 موضوع جزئی: آیه ۴۰ \_ مفردات آیه \_ ۱. بنی اسرائیل \_ شمول شواهد  
 مصادف با: ۱۹ ربیع الاول ۱۴۴۳  
 بنی اسرائیل نسبت به نصاری و بررسی آنها \_ ۲. عهد \_ ۳. رهبت  
 جلسه: ۸

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

### خلاصه جلسه گذشته

بحث در مفردات آیه ۴۰ بود. عرض کردیم اولین واژه ای که در این آیه باید پیرامون آن بحث شود، واژه «بنی اسرائیل» است. گفتیم بنی اسرائیل به معنای فرزندان اسرائیل است و اسرائیل را هم از نظر ترکیب این لغت گفتیم به چه معنا است. بحث عمده این است که آیا بنی اسرائیل به خصوص یهود اطلاق می شود یا شامل نصاری هم می شود و بنی اسرائیل هم مسیحیان و هم یهودیان را در بر می گیرد؟ این بحثی بود که عرض کردیم در اینجا مطرح است. یک دیدگاه این است که این اختصاص به یهود دارد. قرائن و شواهدی هم برای این مدعی ذکر شده که به بعضی از این قرائن و شواهد اشاره کردیم. فخر رازی از کسانی است که این نظر را پذیرفته و شواهدی را هم بر آن اقامه کرده. در مقابل برخی معتقدند که دلیلی برای حصر بنی اسرائیل در یهود نداریم و در مقابل به قرائنی تمسک کرده اند تا عمومیت و شمول واژه بنی اسرائیل را اثبات کنند. چند قرینه و شاهد ذکر شده که به نظر ما اکثراً محل اشکال است.

### شواهد شمول و بررسی آنها

اول: یکی لفظ بنی اسرائیل است که ما هم عرض کردیم لفظ بنی اسرائیل به معنای فرزندان اسرائیل، قابلیت این را دارد که شامل همه یهودیان و مسیحیان شود، بلکه شامل کفار از فرزندان یعقوب هم بشود، چون همه آن ها مومن نبودند و برخی از آنها اساساً مشرک بودند (مشرک به معنای اینکه اهل کتاب نبودند نه یهودی بودند و نه نصرانی). بررسی: حال اگر ما به برخی از آنها که نه یهودی بودند و نه نصرانی، اطلاق بنی اسرائیل کنیم اشکال دارد؟ قطعاً به حسب معنای لغوی بنی اسرائیل، هیچ مانعی برای استعمال این لفظ در غیر یهودیان و مسیحیان هم وجود ندارد. پس این خیلی نمی تواند شمول نسبت به مسیحیان را اثبات کند. مجموعه این شواهد را در بعضی تفاسیر ذکر کرده اند از جمله تفسیر تسنیم<sup>۱</sup> به اعتبار این شواهد گفته اند شامل مسیحیان هم می شود.

دوم: شاهد دیگر این است که گاهی اوقات خود عنوان بنی اسرائیل مخاطب حضرت مسیح قرار گرفته مانند این آیه: «و إذ قال عیسی بن مریم یا بنی اسرائیل اننی رسول الله إلیکم».

۱. تفسیر تسنیم، ج ۴، ص ۲۶.

بررسی: واقع این است که این نمی‌تواند شاهد بر عمومیت بنی اسرائیل نسبت به مسیحیان باشد. اینکه بنی اسرائیل مخاطب حضرت مسیح در این آیه قرار گرفته، اتفاقاً شاید به کسانی است که پیرو قوم یهود بودند، یعنی مسیح وقتی به رسالت و به نبوت مبعوث شد، آمد با قوم خودش سخن گفت. گفت: «یا بنی اسرائیل انّی رسول الله الیکم»، من رسول خدا هستم به سوی شما. آن زمان پیامبر که عیسی مسیح بود، خطاب به کسانی این سخن را مطرح کرد که از گذشته پیروان موسی شمرده می‌شدند و یهودی بودند. این دارد آنها را دعوت می‌کند به نبوت جدید و رسالت خودش که از ناحیه خداوند به او ابلاغ شده، لذا نمی‌تواند شاهدی بر شمول بنی اسرائیل نسبت به مسیحیان باشد.

سوم: آیه «فَأَمَّنتَ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ»<sup>۱</sup>، اینکه یک طائفه ای از بنی اسرائیل به مسیح ایمان آوردند، این را شاهد گرفتند بر اینکه این شامل مسیحیان هم می‌شود.

بررسی: به نظر می‌رسد که این آیه شاهد بر عدم شمول نسبت به مسیحیان است. چه بسا این قرینه است بر اینکه بنی اسرائیل اختصاص به یهود دارد. می‌گوید یک طائفه ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند، یعنی یک طائفه از کسانی که از پیروان موسی شمرده می‌شدند و یهودی بودند، به عیسی مسیح ایمان آوردند. پس اینجا باز بنی اسرائیل در مورد نصاری به کار نرفته. این بنی اسرائیل یعنی همان یهود است طبق این آیه.

چهارم: در آیه ۱۲۲ عین همین آیه ۴۷ و اینجا هم آیه ۴۰ تکرار شده: «یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی أنعمتُ علیکم و اُنّی فضلْتُکم علی العالمین». آنجا ادعا شده که در آیه ۱۲۲ و آیه ۴۷ بنی اسرائیل حتما شامل نصاری می‌شود، چون در دو آیه قبل از آیه ۱۲۰ یهود و نصاری در کنار هم یاد شدند. و لذا وقتی خداوند می‌فرماید: «یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی أنعمتُ علیکم»، پس معلوم می‌شود این شامل هر دو است، هم شامل یهود است و هم شامل نصاری.

بررسی: این تا حدودی صلاحیت قرینیت دارد به قرینه دو آیه قبل. می‌گوید عین همین آیه در آیه ۴۷ تکرار شده، یعنی ۷ آیه بعد از آیه مورد بحث. منتهی در اینجا می‌گوید: «اذکروا نعمتی الّتی أنعمتُ علیکم و اوفوا بعهدی اوف بعهدکم»، اما در آنجا فرموده: «و اُنّی فضلْتُکم علی العالمین». نعمتی که به شما دادم را به یاد بیاورید، من شما را تفضیل بر عالمیان دادم. با اینکه سر و صورت این قرینه مقداری بهتر از سه قرینه قبلی است، اما ذکر یهود و نصاری پیش از این دلیل بر این نمی‌شود که بنی اسرائیل در اینجا شامل یهود و نصاری هر دو شود. چون «فضلتکم علی العالمین»، بیشتر بر قوم یهود منطبق است تا نصاری. این تفضیل علی العالمین، تفضیل بر جهانیان بیشتر منطبق بر یهود است تا مسیحیان.

پنجم: شاهد دیگر این است که مجموعه این آیاتی که در این سوره وارد شده، به صورت آیاتی که منسجم یک مطلبی را دارند بیان می‌کنند، ما می‌بینیم که هم جریانات مربوط به یهود و هم جریانات مربوط به نصاری را ذکر کرده. مثلاً در آیه ۶۲ سخن مسیحیان و صابئین را همراه با سخن مؤمنان و یهودیان ذکر کرده. یا مثلاً در آیه ۸۷ به سرگذشت مسیح و بعد

۱. سوره صف، آیه ۱۴.

آن مقابله ای که بین یهود و نصاری پیش آمد در اینکه هر کدام بهشت را مخصوص خودشان می دانستند و دیگران را محروم از بهشت می دانستند، خودش حاکی از این است که بنی اسرائیل هم یهود را در بر می گیرد و هم نصاری را. بررسی: این مطلب ایجاب نمی کند که منظور از بنی اسرائیل اعم باشد، یعنی هم یهود و هم نصاری را در بر بگیرد. بلکه ممکن است به طور خاص همراه با قرینه این معنا از بنی اسرائیل فهمیده شود، اما در واقع اینکه در این سوره از نصاری سخن گفته شده، از صابئین و مؤمنان هم سخن گفته شده، به چه دلیل بنی اسرائیل شامل صابئین نشود؟ درست است که آنها اذیت و آزارها یهودیان را نداشتند، اما بالاخره مشرک بودند و عهد خدا را فراموش کرده بودند.

### حق در مسئله

لذا مجموعاً واقع این است که شواهد محکمی بر شمول بنی اسرائیل نسبت به مسیحیان و نصاری نمیتوانیم پیدا کنیم. البته هیچ منعی از شمول نیست، چون خود لفظ بنی اسرائیل با توجه به معنایی که دارد، این اقتضا در آن هست که شامل یهود و نصاری هر دو شود. اما با توجه به خصوصیتی که یهودیان داشتند، اینکه یهودیان در آن دوران دارای قدرت و نفوذ بودند، قدرت اقتصادی و سیاسی و چه بسا نظامی داشتند و به واسطه پیچیدگی آنها و ارتباطاتی که با کفار قریش و مشرکان مکه پیدا کرده بودند، انصافاً یکی از عوامل اصلی اذیت و آزار پیامبر به شمار می رفتند. طبیعتاً یک مجموعه ای با این حجم از توانایی و اثر گذاری، بر سایرین هم اثر می گذارد. اینها حتی نصاری را هم تحت الشعاع خودشان قرار دادند. لذا شما می بینید که اسلام آوردن مسیحان بسیار سهل تر بوده تا یهودیان.

بنابراین با توجه به پیمان شکنی های مکرر بنی اسرائیل، با توجه به قدرتشان، با توجه به سابقه و حضور فراوانشان در مدینه، اینکه ما بنی اسرائیل را منحصر بر یهودیان کنیم، چندان به بیراهه نرفتیم و مجموعاً مؤیدات، شواهد و قرائن حمل بنی اسرائیل بر یهود و عدم شمول آن بر نصاری قوی تر است و می توانیم آن را بپذیریم.

### ۲. عهد

دومین واژه، واژه «عهد» است. میفرماید: «یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی انعمتُ علیکم و اوفوا بعهدی اوف بعهدکم». واژه نعمت و... مطالبی دارد که اینها را در ضمن تفسیر بیان خواهیم کرد و الا هر کدام از این واژه ها بحث هایی دارند و تاثیر در تفسیر هم دارند. اما ما بیشتر آن واژه هایی که نیاز به توضیحی اجمالی دارند را ذکر می کنیم. «عهد» عبارت است از حفظ کردن چیزی و مراعات آن چیز در حالات مختلف. پس عهد یعنی حفظُ الشیء و محکم نگه داشتن یک چیز و اینکه در همه حالات آن شیء حفظ شود. تغییر حالات باعث نشود که نسبت به حفظ آن شیء کوتاهی شود. اهتمام به حفظ آن شیء باشد، این معنای عهد است، لذا در هر موضوع و زمینه ای قابل تصویر است. حال به مناسبت تفسیر از این آیه خواهیم گفت که عهد فرقی با میثاق چیست.

### ۳. رهبت

لغت «رهبت» از ماده «رهب» است به معنای خوف آمیخته با اضطراب. خشية، خوف، رهبت، ضمن اینکه اشتراکاتی با هم دارند، تفاوت‌هایی هم بینشان وجود دارد. خداوند متعال اینجا نمی‌گوید از من بترسید، نمی‌گوید خشیت داشته باشید، می‌گوید: «آیایَ فارهبون»؛ رهب به معنای خوفی است که آمیخته با اضطراب است. خدا می‌گوید یک چنین حالتی داشته باشید و تنها از من خائف باشید، آن خوفی که همراه با اضطراب است.

اجمالاً ما الفاظی که در این آیه ذکر شده و به حدی که لازم بود را توضیحی دادیم، حال می‌رویم سراغ تفسیر آیه و نکاتی که لازم است مطرح شود.

«والحمد لله رب العالمین»